



عبدالله شوری عالی حوزۀ علمیه خراسان
محمدجواد طلفات یزدی
حجت الاسلام والمسلمین

بسم...الرحمن الرحیم و به نستعین. در قسمت قبل گفتیم نامه این‌گونه شروع می‌شود که امیرالمؤمنین خودشان را بنده خدا می‌خوانند و این نگاه را در نوع حکومت‌داری ایشان نیز می‌بینیم. وقتی روش حکومتی و مدیتریتی امیرالمؤمنین^(ع) با معاویه را نگاه می‌کنیم، تفاوت می‌بینیم. معاویه برای پیشبرد کارهایش از هر روشی استفاده می‌کرد؛ از تطمیع، رشوه دادن، تهدید، ترور کردن و شکنجه کردن و ارباب گرفته تا دیگر روش‌ها، اما امیرالمؤمنین^(ع) از این روش‌ها استفاده نمی‌کردند.

در یکی از خطبه‌ها ذکر شده است که امیرالمؤمنین وقتی با مخالفت یارانشان مواجه شدند و آن‌ها حضرت را اذیت کردند، حضرت فرمودند: «وَإِنِّي لَعَالِمٌ بِمَا يُضِلُّكُمْ وَ يُقَيِّمُ أَوْدَكُمْ وَلَكِنِّي وَ... لَا أَرَى إِضْلَاحَكُمْ بِإِفْسَادِ نَفْسِي، أَضَرُّعُ... خُدُوكُمْ وَ أَتَقَسُّ خُدُوكُمْ، لَا تَعْرِفُونَ الْحَقَّ كَتَعْرِفَتِكُمُ الْبَاطِلُ وَلَا يُطِيلُونَ الْبَاطِلُ كَأَنِّي بَطْلُكُمْ الْحَقُّ، چند با شما مدارا کنم، چونان که با اشتراک جوانی که کوهانشان از درون ریش است و از برون سالم، مدارا کنند. یا با کهنه‌جامه‌ای که اگر از یک جای پارگی آن را بدوزند، از جای دیگر پاره شود. هر بار که طلایه لشکر شام از دور پدیدار شود، هر یک از شما به خانه خود می‌گریزید و در را به روی خود می‌بندید. همانند سوسماری که از بیم، در سوراخ خود پنهان می‌شود، شما نیز به سوراخ خود می‌خزید، یا مانند قنقار به لانه پنهان می‌شوید. به خدا سوگند، خوار و ذلیل کسی است که شما یاری‌اش کرده باشید. هرکه شما را چون تیر به سوی خصم افکند، تیر سوارشکسته و بی‌پیکان، به سوی او افکنده است. به خدا سوگند که به‌هنگام آرمیدن در عرصه آرامش خانه، شمارتان بسیار است و در زیر پرچم نبرد، اندک می‌دانم داروی درد شما چیست و این کژی را چگونه راست توان کرد. ولی نمی‌خواهم شما را اصلاح کنم. درحالی‌که خود را تباه کرده باشم. خداوند خوارتان سازد و بدبخت و بی‌بهره کند. آن‌سان که باطل را می‌شناسید، حق را نمی‌شناسید و آن‌سان با باطل مبارزه نمی‌کنید که به ناپود کردن حق کمر بسته‌اید.» حضرت می‌فرماید: «وَإِنِّي لَعَالِمٌ بِمَا يُضِلُّكُمْ»؛ «من بلدم که چه چیزی شما را شایسته و مطیع می‌کند». «و لَكِنِّي لَا أَرَى إِضْلَاحَكُمْ بِإِفْسَادِ نَفْسِي»؛ «ولی من نمی‌خواهم شما مطیع بشوید و فرمان‌بردار بشوید به قیمت اینکه من خودم را فاسد کنم.» امیرالمؤمنین از روش‌هایی که موجب می‌شود دیانت خودشان، حریت خودشان، انسانیت خودشان آسیب ببیند، استفاده نمی‌کنند. چرا؟ چون برای ایشان اصل بندگی خداست. امیدوارم

که بتوانیم در همه شئون زندگی به این سمت حرکت کنیم که بنده واقعی خدا شویم؛ چون بنده غیرخدا بودن چیزی جز ذلت به ارمغان نمی‌آورد. والسلام علیکم ورحمة...وبرکاته.



فصل اول _ قسمت دوم

ذکر

بوی یار

حمیده ذاکری! امروز ۱۴شوال است. اتفاق‌های زیادی در طول تاریخ در این روز رخ داده است؛ اما خب، برای هرآدمی مناسبت‌ها و تاریخ‌ها - به مناسبت حب و علاقه‌ای که دارد- پرنرنگ و برجسته می‌شود. برای منی که در شهر مشهد زندگی می‌کنم و امام‌رضا^(ع) فقط امام و مولای من نیست، بلکه مبدأ و مقتدای من است، هر آن چیزی که مربوط به ایشان باشد، معنی دارد و پرنرنگ است.

در ۱۴ شوال سال ۲۳۶ قمری چند سال بعد از شهادت امام هشتم^(ع) یار با وفایشان، یعنی عبدالسلام بن صالح بن سلیمان ایوب بن میسره، مشهور به خواجه اباصلت، در گذشته است. جالب است بدانید که او از دانشمندان، محدثان و راویان بنام عصر خود بوده است. تاریخ‌نویسان او را گاهی غلام، گاهی برده و گاهی محدث و متکلم و راوی بسیار مشهور و دانشمندی نامدار - و نیز در برخی متون- او را از ثروتمندانی که علما را مورد ملاحظت قرار می‌داده‌اند، معرفی کرده‌اند. ولی ما بیشتر او را خادم و محرم امام‌رضا^(ع) می‌دانیم که تا شهادت آن حضرت در کنار ایشان حاضر بوده است و از این باب است که با او حس شفقت و رحمتی داریم که برای من کمترین بدون دیدن و درک حضور بابرکت امام که اگر خدا بخواهد، از دوستداران حضرت هستم، تصورش هم سخت است که در روزهای سخت قبل از شهادت و لحظات جان‌سوز شهادت ایشان در کنارشان باشم و این همه رنج محبوب را تاب بیاورم. این خدمت و ملازمت ما را به سرنوشت این یار و همراه امام علاقه‌مند می‌کند.

اباصلت حدود سال ۱۶۰ هجری قمری در مدینه متولد شد و به این دلیل که اجدادش از هرات بودند، به اباصلت هروی معروف است. او پس از ورود امام‌رضا^(ع) به خراسان به نزد امام آمد و در زمره همراهان نزدیک حضرت‌رضا^(ع) قرار گرفت و راوی بدون واسطه چگونگی شهادت آن حضرت به دست مأمون عباسی است. وی باتوجه‌به رخداد‌های سیاسی دوران عباسیان تا هنگام وفاتش به دور از‌نظار زندگی می‌کرد.

ابن حجر می‌گوید، اباصلت در همه مجالس و محافل با امام‌رضا^(ع) بود و هنگام مناظرات و احتجاجات امام با رؤسای اادیان و متکلمان و دانشمندان حاضر بود. اباصلت بعد از شهادت جان‌سوز علی‌بن موسی‌الرضا^(ع) به نیشابور بازگشت و به مناظرات و بحث‌های علمی و حدیثی مشغول شد.

او در آخر شوال ۲۳۶ قمری دار فانی را وداع گفت. اباصلت هروی نقل می‌کند که بعد از شهادت و به خاک سپاری امام‌رضا^(ع) به امر مأمون مرا به زندان بردند؛

«مدت یک سال در حبس به سر بردم. این مدت بر من بسیار سخت گذشت و دل‌تنگ شدم. شبی بیدار ماندم و به عبادت و ذکر و دعا پرداختم و محمد و آل‌محمد^(ص) را شفیع خویش قرار دادم و به آن‌ها متوسل شدم و خداوند را به حرمت آنان سوگند دادم که مرا از آن وضع نجات بخشد. هنوز دعایم پایان نیافته بود که دیدم ابو جعفر محمد بن علی^(ع) بر من وارد شدند و فرمودند: ای اباصلت! سینه‌ات تنگ و صبر و تحملت تمام شده است؟ عرض کردم: آری، به خدا سوگند. فرمود، برخیز و با من بیرون آی! آن‌گاه دست مبارک خود را بر غل و زنجیرهای من زد و همه را گشود و دست مرا گرفت و از زندان بیرون آورد، درحالی‌که نگهبانان مرا دیدند، اما به کرامت آن حضرت قدرت سخن گفتن نداشتند. وقتی که از درب زندان خارج شدیم، امام جواد^(ع) فرمود: برو به امان خدا. تو را به خدا سپردم و بدان که بعد از این هرگز با مأمون رویه‌رو نخواهی شد و او هم تو را نمی‌پاید. اباصلت می‌گوید: همچنان شد که امام فرمود. به‌طوری‌که تاکنون مأمون بر من دست نیافته است.»

(عیون اخبار الرضا^(ع)، ج. ۲، ص. ۲۴۵)

شهر

اشنبه
۲۴ فروردین ۱۳۹۶
شماره ۴۴۴۴

۱۴



روز

۱ از بین رفتن یکی از شرط‌های نماز



مثل اشتباه ایستادن جهت قبله یا اینکه وسط نماز متوجه شودلباسش نجس است.

۲ سخن گفتن



کسی که نماز می‌خواند، نباید در نماز با کسی حرف بزند.

۳ خندیدن



خنده با صدا و عمدی، نماز را باطل می‌کند.

۴ گریه کردن



گریه برای مصیبت معصومین در نماز چه حکمی دارد.

۵ رو از قبله برگرداندن



اگر نمازگزار به عمد روی خود را از قبله برگرداند، نمازش باطل است.

برای بسیاری از ما آنچه نماز را باطل می‌کند، مورد سؤال است؛ امروز به مبطلات نماز و شرح آن‌ها می‌پردازیم

چگونه نماز را صحیح بخوانیم؟

۱۲ باطل کننده نماز

اگر نماز گزار بعد نماز بفهمد لباسش نجس است، حکم آن چیست؟

● **آیت...** **خامنه‌ای**؛ اگر بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است ولی اگر قبل از نجاست آن را می‌دانسته و فراموش کرده و با آن نماز خوانده است، نمازش باطل است. ● **آیت...** **سیستانی**؛ اگر کسی یقین دارد که بدن یا لباسش نجس نیست و بعد از نماز بفهمد نجس بوده، نمازش صحیح است. ● **آیت...** **مکارم شیرازی**؛ در فرض سؤال، نماز او صحیح است، خواه در وقت باشد یا بعد از وقت.

اگر نماز گزار سهوا و بی اختیار در نماز حرف بزند، آیا نمازش باطل است؟

● **آیت...** **خامنه‌ای**؛ اگر عمدا حرف بزند، نمازش باطل است. ● **آیت...** **سیستانی**؛ اگر سهوا کلمه‌ای بگوید که یک حرف یا بیشتر دارد، اگرچه آن کلمه معنی داشته باشد، نمازش باطل نمی‌شود. ولی بنا بر احتیاط، لازم است بعد از نماز سجده سهو به جا آورد؛ ● **آیت...** **مکارم شیرازی**؛ سخن گفتن از روی سهو و فراموشی و نسیان، نماز را باطل نمی‌کند.

حکم لبخند و تبسم در نماز چیست؟

● **آیت...** **مکارم شیرازی**؛ تبسم و لبخند، نماز را باطل نمی‌کند؛ هرچند عمدی باشد. ● **آیت...** **سیستانی**؛ اگر عمدا بی صدا یا سهوا با صدا بخندد، نمازش اشکال ندارد.

حکم گریه کردن در نماز چیست؟

● **آیت...** **خامنه‌ای**؛ بنا بر احتیاط واجب، ترک شود. ● **آیت...** **سیستانی**؛ اگر برگشت به آخرت داشته باشد، جایز است. ● **آیت...** **مکارم شیرازی**؛ جایز نیست و نماز باطل است اما اگر جاهل قاصر به مسئله بوده است، نمازهای سابق اعاده ندارد.

اگر روی برگرداندن به میزان کمی باشد در حدی که از قبله خارج نشود، نمازش باطل است؟

● **آیت...** **خامنه‌ای**؛ اگر التفات صورت فاحش نیست به گونه‌ای که تمام صورت به طرف راست و یا چپ برگردانده نشود، اشکال ندارد. ● **آیت...** **مکارم شیرازی**؛ باطل نمی‌شود. ● **آیت...** **سیستانی**؛ اگر مقدار کمی گردش راجع کند، نمازش باطل نمی‌شود، هرچند این کار مکروه است.

برهم زدن صورت نماز



● کارهایی مثل بالا بردن و دست زدن. ● سکوت طولانی در حدی که نگویند نماز می‌خواند. ● شکستن نماز جز در حال ناجاری، حرام است. ● شکستن نماز برای پرداخت بدهی که طلبکار طلب کند، اگر نماز قضا نشود و بین نماز بتواند بدهی خود را بدهد. ● شکستن نماز برای مالی که اهمیت ندارد، مکروه است. ● اگر بین نماز متوجه شود که مسجد نجس است، اگر وقت هست و نمی‌تواند بین نماز مسجد را پاک کند، باید نماز را رها کند، مسجد را تطهیر کند و بعد نماز بخواند.

پیش آمدن شکمی که باطل کننده نماز است



مثل شک در نماز دور کتعی.

پیش آمدن چیزی که مبطل وضو یا غسل است



مثل خوابیدن که نه گوش بشنود و نه چشم ببیند یا ادرار کردن.

روشنا

امام علی^(ع)؛

يُسِّئُ الْقَرِيْنُ الْقَعْبُ يَبْدِي الْمَغَائِبَ وَ يُذْنِي الشَّرَّ وَ يُبَاعِدُ الْخَيْرَ

خشم هم نشین بسیار بدی است؛ عیب‌ها را آشکار،

بدی‌ها را نزدیک و خوبی‌ها را دور می‌کند. تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۸۲، ج ۶۸۹۳

این رفتارها

جواز ورود به بهشت اند

خدا^(ص) فرمودند: «ایا دوست داری به بهشت روی؟» عرض کردم: آری. پدرم فدایت باد! فرمودند: «پس، آرزو را کوتاه کن و مرگ را پیش چشم خود بدار و از خداوند چنان‌که شاید و باید شرم کن».

(الأمالی للطوسی: ۵۳۴/۱۱۶۲)

امام علی^(ص) نیز اعمال مؤثر بر کسب جواز بهشت را بیان کرده، می‌فرماید: «هرکه شش خصلت در او جمع شود، هیچ مطلوبی از بهشت و هیچ گریزی از دوزخ را وا نگذاشته است؛ کسی که خدا را بشناسد و فرمانش بزد، و حق را بشناسد و نافرمانی‌اش کند، و حق را بشناسد و پیروی‌اش کند، و باطل را بشناسد و از آن بپرهیزد، و دنیا را بشناسد و دورش افکند،

امام صادق^(ع) هم در این باره توصیه‌ای راهگشا دارند و می‌فرمایند: «چهار کار است که هرکه یکی از آن‌ها را انجام دهد، خداوند بهشت می‌شود، هرکه حیوان تشنه‌ای را آب دهد، یا شکم گرسنه‌ای را سیر کند، یا بدن برهنه‌ای را بپوشاند، یا برده اسیری را آزاد کند.»

(بحارالانوار، ۷۴/۱۷۳۶)

ایشان همچنین می‌فرمایند: «سه کار است که هرکه یکی از آن‌ها را انجام دهد، خداوند بهشت را بر او واجب می‌کند؛ اتفاق کردن در تنگدستی، خوشرویی با همه عالم و انصاف داشتن.»

(الکافی، ۲/۱۰۳۲)

روایات اگرچه راه رسیدن به بهشت را به ما نشان داده‌اند، آن را کاری سخت می‌دانند. رسول خدا^(ص) در این باره فرموده‌اند: «بدانید که کار بهشت، هرکه حیوان تشنه‌ای را آب دهد، یا دشوار است و بدانید که کار دوزخ، به سبب خواهش‌های نفسانی، آسان و هموار است.»

(کنز العمال، ۵/۲۳۶۰۵)

(نواب‌الاعمال، ۱/۱۶۱)